

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۹۷۵۲۵۲ رده بندی کنگره: ب ۵۵۶/۲۹۰

بررسی فقهی و حقوقی احکام تعدد و تکرار جرم

مسعود بوعمار

چکیده

تعدد به دو نوع واقعی و اعتباری قابل تقسیم می باشد، تعدد واقعی نیز به دو نوع تعدد واقعی در حدود گوناگون و تعدد واقعی در حدود مشابه قابل تصور است، تعدد اعتباری در مواردی همچون زنا و قذف دیده می شود. مبنای فقهی حقوقی تعدد جرم، قاعده فقدان تداخل اسباب یا قاعده جمع مجازات‌ها است که در مورد تعدد اعتباری در حدود و تعدد واقعی در حدود گوناگون، به مرحله اجرا درمی آید، چونکه مرتکب شدن به هر جرم حدی سبب مستقلى در ایجاب نوع خاصی حد است، از این رو، با تعدد اسباب (جرایم) مسببات (حدود) نیز گوناگون می گردد. برطبق فتاوی فقه‌ها و دیدگاه مقنن، نحوه اجرای این حدود به طوری است که استیفای یکی باعث از بین رفتن زمینه دیگری نشود، لذا، در صورت وجود قتل یا رجم در میان حدود مجتمع بر شخص واحد، این حدود به عنوان آخرین حد بر مجرم قابل اجرا است. اما در باره تعدد واقعی در حدود مشابه، قاعده جمع مجازات‌ها به قاعده تداخل اسباب اختصاص چونکه اسباب حدود مشابه، در صورت اجتماع، تداخل نموده و حد واحد بر مجرم اجرا می‌شود.

واژگان کلیدی: تعدد، جرم، شبه جرم، جرم عمدی، جرم غیرعمدی



بخش اول: بررسی جرم

جرم یا پدیده جنایی تعریفهای مختلفی دارد و دلیل این اختلاف آن است که هر تعریفی براساس دیدگاه خاصی همچون دیدگاههای، فلسفی، اجتماعی جرم شناسی، اخلاقی و مذهبی ارائه می گردد بسیاری از این تعریفها با یکدیگر شبیه هستند و برای آشنایی با آنها، به برخی از تعاریف اشاره می کنیم

-جرم، فعل یا ترک فعلی است که برخلاف اخلاق حسنه و نظم اخلاقی صورت گیرد. این تعریف، ناشی از دیدگاه مکتب عدالت مطلقه است اما مهم ترین اشکال وارد بر این تعریف آن است که بسیاری از اعمال ضد اخلاقی همچون دروغ گفتن، غیبت کردن، روابط که نامشروع و..... بر ضد اخلاق و ارزشهای اخلاقی هستند در برخی از کشورها جرم محسوب نمی شوند چرا که ارزشهای اخلاقی در جوامع مختلف، تفاوت دارد و این ارزشها از بسیاری از سیستمهای حقوقی رخت بر بسته اند.

-جرم، فعل یا ترک فعلی است که بر ضد احساسات شرافتمندانه و نوع دوستی انسانی صورت میگیرد این تعریف بیشتر مورد قبول جرم شناسان است و ایشان در تحقق و تکوین جرم عوامل فردی و اجتماعی را دخالت میدهند هر چند برخی از آنها اعتقاد دارند که عوامل فردی همچون وراثت و روان بر عوامل اجتماعی برتری دارد و برخی نیز اعتقاد دارند که عوامل اجتماعی همچون فرهنگ، اقتصاد و تربیت بر عوامل فردی برتری دارد. -جرم، پدیده ای است که علیه ارزشهای پذیرفته شده جامعه صورت می گیرد. این تعریف نیز براساس دیدگاه های جامعه شناسی ارائه شده است و صاحبان این ایده می گویند در هر جامعه، اصول و ارزشهایی وجود دارد که باید مورد احترام اعضای جامعه قرار گیرد و البته این ارزشها در جوامع مختلف یکسان نیست و بر همین اساس دیده می شود که مثلاً رابطه دختر و پسر در یک جامعه ضدارزش نیست و در جامعه دیگر ضدارزش است.



- جرم، پدیده‌ای است که علیه تکالیف شرعی صورت گیرد و موجب تباهی فرد و جامعه شود و از سوی شارع نیز برای آن مجازات تعیین شده باشد. این تعریف ریشه مذهبی دارد و مترادف گناه و معصیت است و از معنای قانونی آن فاصله گرفته است. (زارعت، ۱۳۸۷: ص ۴۲)

بنابراین تعریف حقوق جرم می‌شود:

در قانون مجازات اسلامی برای جرم‌ها به صورت اقدام واکنشی در نظر گرفته شده است. مجازات و اقدامات تعلیمی و تربیتی جزو این تمهیدات بوده نکته بسیار مهم در چهارچوب قانونی کشور لحاظ شده است که در آن جرم و مجازات می‌بایست در اصل قانونی مورد دادرسی قرار گیرند. به این معنی که اصل قانونی بودن جرم و مجازات می‌بایست تابع شرایط زیر باشد:

- قانونی بودن جرم که در قانون بصورت صریح ذکر شده باشد.
- قانونی بودن مجازات که در قانون به شکل واضح و روشن مشخص شده باشد.
- صلاحیت دادرسی که بر اساس آن هیچ دادگاهی نمی‌تواند حکم دهد مگر اینکه قانون به آن صلاحیت داشته باشد.

مفهوم فقهی جرم نیز به شرح زیر است:

جرم در زبان قرآن کریم، عبارت از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. به عبارت دیگر، جرم یا گناه عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس.

برای درک معنای جرم در قرآن کریم، باید به الفاظی مانند جرم، اثم، سیئه، خطیئه و ذنب و مشتقات آن که به معنی کار زشت و ناپسند است، مراجعه کرد و نیز به آیاتی که در باب انواع



جرائم مشمول قصاص نفس، قصاص عضو، دیه، حد زنا، حد قذف، حد سرقت، محاربه و بغی است استشهاده نمود. (کرباسی، ۱۳۸۱: ص ۴)

در یکی از آیات قرآن، جرم در مورد افترا به خدا و انکار آیات الهی به کار رفته است: «چه کسی ظالم تر است، همچون کسی که از روی کذب بر خداوند افترا می‌بندد، یا آیاتش را انکار می‌نماید، همانا خداوند، مجرمین رارستگار نمی‌نماید.» (یونس: ۱۷)

بند اول: اقسام جرم

جرم از جهات مختلف دارای تقسیم‌بندیهای متفاوتی است که در این جا به طور خلاصه به این تقسیم‌بندی‌ها اشاره می‌شود:

الف- جرم طبیعی و قراردادی:

جرم طبیعی جرمی است که علیه ارزشهای اخلاقی و اجتماعی که خود به خود در جامعه استقرار یافته است صورت گیرد مانند سرقت، جعل، هتک ناموس برهم زدن امنیت کشور و جرم قراردادی جرمی است که جامعه برای حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی و مالی وضع می‌کند مانند بسیاری از مقررات راهنمایی و رانندگی، مالیاتی و ... این تقسیم‌بندی مورد انتقاد قرار گرفته است و مخالفان همه می‌گویند همه جرایم به نحوی به ارزش‌های جامعه را مخدوش می‌کنند و در نتیجه همه جرایم را باید جرایم طبیعی دانست.

ب- جرم کیفری و جرم مدنی (شبه جرم):

جرم کیفری جرمی است که فاعل آن مجازات جرم مدنی جرمی است که فاعل آن باید خسارت عمل خود را جبران نماید که اصطلاحاً مسئولیت مدنی در مقابل مسئولیت کیفری نامیده می‌شود. مکتب تحقیقی مجرمان اتفاقی را به مجرمان واقعی و شبه مجرمان تقسیم کرده است و



شبه مجرمان کسانی هستند که مرتکب جرایم غیر عمد می شوند و البته جرم آنها با آن چه که در این جا شبه جرم نامیده می شود تفاوت دارد. ماده ۳۲۸ و ۳۳۱ قانون مدنی و نیز قانون مسئولیت مدنی مقررات جرم مدنی را بیان کرده است میان جرم کیفری و جرم مدنی تفاوت های زیادی وجود دارد از جمله این که عکس العمل نسبت به جرم کیفری اعمال مجازات است اما نسبت به جرم مدنی جبران خسارت است در جرم کیفری مسئولیت فقط متوجه مرتکب است اما در جرم مدنی اشخاص ثالث نیز ممکن است مسئولیت داشته باشند. جرم کیفری باید در قانون پیش بینی شده باشد اما در مورد جرم مدنی چنین چیزی لازم نیست. جرم کیفری به موجب مقررات آیین دادرسی کیفری تحت تعقیب قرار می گیرد اما در جرم مدنی، مقررات آیین دادرسی مدنی حاکم است. (زارعت، ۱۳۸۷: ص ۴۸)

ج- جرایم شناخته شده و جرایم ناشناخته:

جرایم شناخته شده، جرایمی هستند که به واسطه شکایت ذی نفع یا پیگیری مقامات مسئول شناخته شده باشند. این جرایم از راه آمار تعیین می شوند و آمار بزهکاری گاهی ظاهری است که مبنای شکایتها و اعلام جرایم به مقام های قضایی تنظیم می شود و گاهی قانونی است که بر مبنای احکام محکومیت های صادره از دادگاه ها تنظیم میگردد. این آمارها معمولاً تعداد واقعی جرایم را نشان نمی دهند چون بسیاری از جرایم کشف نمی شوند و بر همین اساس به اختلاف میان جرایم واقعی و جرایم شناخته شده رقم سیاه بزهکاری یا رقم مخفی جرایم گفته می شود.

د- جرم عمدی و جرم غیر عمدی:

آن است که مرتکب آن، قصد انجام عمدی جرم را داشته باشد و جرم غیر عمدی آن است که مرتکب قصد انجام جرم را ندارد که در این صورت اگر قصد فعل انجام شده وجود داشته باشد شبه عمد و گرنه خطای محض نامیده می شود. برخی از جرایم در حکم عمد و برخی در حکم



شبه عمد و برخی در حکم خطای محض هستند قتل با آلت غالباً کشنده از نوع اول است و حوادث ناشی از رانندگی، از نوع دوم و قتل ارتكابی توسط کودک یا مجنون از نوع سوم هستند.

ه- جرم مطلق و مقید:

جرم مقید جرمی است که تحقق کامل مادی آن منوط به حصول نتیجه است و جرم مطلق جرمی است که تحقق کامل آن منوط به حصول نتیجه نیست. جرم قتل و سرقت از نوع اول و جرم قاچاق طلا و تشویق به فساد از نوع دوم است.

و- جرم کامل جرم عقیم و جرم محال:

جرم کامل و تام جرمی است که به انتها برسد. جرم عقیم جرمی است که مجرم به عللی که خارج از اختیار اوست نتواند جرم را به پایان برساند مانند خطا رفتن تیر که منجر به کشتن دیگری نشود جرم محال جرمی است که تحقق آن امکان نداشته باشد مانند تیراندازی به کسی که قبلاً فوت کرده است. محال بودن جرم نیز گاهی به صورت محال نسبی است یعنی امکان وقوع جرم وجود دارد اما به علتی در آن زمان معین انجام نمی شود مانند سرقت مالی که قبلاً از محل خود خارج شده است و گاهی به صورت محال مطلق است یعنی اصلاً تصور امکان وقوع جرم نمی رود مانند کشتن کسی که قبلاً مرده است. (زارعت، ۱۳۸۷: ص ۴۹)

بند دوم: عناصر تحقق جرم

برای تحقق هر جرم عناصر و ارکانی لازم است که برخی از آنها مشترک میان تمام جرایم هستند و عناصر عمومی نامیده می شوند و برخی دیگر تنها در تحقق جرایم خاصی لازم است که به آنها عناصر اختصاصی گفته می شود:



الف) عناصر عمومی هر جرمی هنگامی محقق می‌شود که سه عنصر و رکن به صورت جمعی در آن وجود داشته باشد و با نبودن یک یا دو عنصر از این عناصر، جرم قابل تعقیب هم محقق نمی‌شود.

عنصر اول عنصر قانونی است یعنی هیچ فعل یا ترک فعلی را نمی‌توان شناخته شده باشد. ماده ۲ قانون به حساب آورد مگر این که در قانون موضوعه جرم مجازات اسلامی هم بر این عنصر تأکید دارد عنصر دوم، عنصر مادی است یعنی جرم هنگامی محقق می‌شود که پیکره و جسم آن در خارج واقع شده باشد و صرف قصد ارتکاب جرم برای تحقق آن کفایت نمی‌کند عنصر سوم عنصر معنوی است که در جرایم عمدی میل و اراده برای ارتکاب یک عمل ممنوع است و در جرایم غیر عمدی، تقصیر می‌باشد. برخی از حقوق دانان رکن چهارمی را با عنوان رکن مشروعیت جزو ارکان عمومی جرم قرار داده‌اند که شامل دفاع مشروع حکم قانون و امر قانونی می‌شود: «ممکن است عملی جامع جمیع عوامل جرم باشد ولی مع ذلک قانون جنبه جرم بودن را نظر به کیفیاتی از آن سلب کرده باشد به نحوی که اگر آن کیفیت وجود نداشت عمل مزبور جرم شناخته می‌شد و قابل مجازات بود ولی وجود کیفیت مزبور عمل مورد اتهام را مشروع ساخته و به عامل آن حق میدهد بلکه او را موظف میسازد که در مقام ارتکاب آن عمل برآید. برخی از مؤلفین، عنصر فوق را جزو عنصر قانونی تصور کرده و آن را ذیل مبحث مربوط به عنصر قانونی ذکر می‌کنند.» (دکتر سمیعی، ۱۳۳۳: ص ۶۱)

ب) عناصر اختصاصی؛ آن چه که گفته شد عناصری است که برای تحقق هر جرم لازم است اما این به معنای آن نیست که اگر سه عنصر مزبور محقق شد جرمی هم به دنبال آن محقق می‌شود بلکه برخی از جرایم هستند که علاوه بر عناصر عمومی، به عنصر یا عناصر اختصاصی دیگری هم نیاز دارند و این عناصر از آن جهت اختصاصی نامیده شده‌اند که برخلاف عناصر عمومی، فقط برای تکوین جرم خاصی لازم هستند مثلاً برای تحقق جرم کلاهبرداری، علاوه بر عناصر سه گانه جرم توسل به وسایل متقلبانه برای بردن مال دیگری هم لازم است اما این



عنصر در جرایم دیگری همچون خیانت در امانت یا صدور چک بلا محل لازم نیست عناصر اختصاصی هر جرم در حقوق جزای خصوصی مورد بحث قرار می‌گیرد.

عنصر مادی جرم

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی معمولاً به عنوان مستند عنصر قانونی جرم یا اصل قانونی بودن جرایم به حساب می‌آید اما عنصر مادی جرم را نیز می‌توان از آن فهمید عنصر مادی جرم همان پیکره جرم است که در خارج واقع می‌شود و این پیکره در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در قالب فعل یا ترک فعل پیش بینی شده است فعل عمل مثبتی است که انجام می‌شود مانند تیراندازی سوزاندن، تخریب کردن و... در این موارد معمولاً اقدام به امری می‌شود که قانونگذار آن را منع کرده است ترک فعل یک عمل منفی است یعنی مرتکب، امری را که بر او تکلیف شده است ترک می‌کند مانند ندادن نفقه به زن ثبت نکردن ازدواج و... فعل یا ترک فعلی که در قانون به عنوان جرم تعیین شده باشد به آسانی قابل تشخیص است اما گاهی ترک فعلی رخ میدهد که خودش جرم نیست بلکه نتیجه حاصل از آن جرم است (فعل ناشی از ترک فعل مثلاً پرستار از دادن دارو به بیمار خودداری می‌کند و در نتیجه بیمار فوت می‌نماید در این جا خودداری از دادن دارو به بیمار ترک فعل) جرم نیست اما نتیجه آن (قتل) جرم است و در این خصوص میان حقوق دانان اختلاف نظر است که آیا مرتکب ترک فعل را میتوان به مجازات نتیجه آن محکوم کرد یا خیر مثلاً پرستار را به مجازات قتل عمد محکوم نمود؟ برخی از حقوقدانان معتقدند که جرم فعل ناشی از ترک فعل قابل تحقق نیست و نمیتوان مرتکب را مجازات کرد مگر این که به صورت مصداقی و معین در قانون پیش بینی شده باشد. (صانعی، ۱۳۷۷: ص ۲۵۸)

عده ای دیگر اعتقاد دارند که باید میان حالت‌های مختلف فرق گذاشت؛ در برخی موارد میان عمل منفی مرتکب و نتیجه حاصله رابطه سببیتی وجود ندارد و نتیجه حاصله نیز مورد توجه مرتکب



نبوده است مثلاً کسی که از نجات شخص غرق شده خودداری میکند و منجر به مرگ وی می‌شود نه قصد قتل او را دارد و نه قتل منتسب به ترک نجات دادن است. در چنین مواردی نباید مرتکب را مسؤول شناخت اما گاهی میان عمل مرتکب و نتیجه حاصله رابطه سببیت وجود دارد و این نتیجه، مورد نظر مرتکب بوده است مانند این که کسی به قصد کشتن دیگری، وی را در مکانی محبوس کند و او از گرسنگی بمیرد. (دکتر محسنی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۸)

بند سوم: علت وقوع جرم

بررسی علل وقوع جرم در صلاحیت علم جرم‌شناسی است و آن چه در این بند اشاره می‌شود یک آشنایی کلی با این علتها می‌باشد. (نوربها، ۱۳۹۲) در زمینه علت وقوع جرم، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است که معمولاً تحت سه عنوان گردآوری و مورد بحث قرار می‌گیرند؛ عوامل انسان‌شناسی و زیست‌شناسی روان‌شناسی و اجتماعی

عوامل زیست‌شناسی و انسان‌شناسی؛ خلاصه این عوامل به آن برمی‌گردد که جرم یک بیماری است و ریشه ارثی دارد یکی از این نظریه‌ها مجرم مادرزاد است که انسان را مجرم خصوصیات انسانی‌های ابتدایی و حیوانات پست می‌داند و خصوصیات ارثی روانی مانند عدم حساسیت روانی، فقدان تمیز خوب و بد و خصوصیات ارثی جسمی مانند اشکالات جمجمه و نیز موانع خارجی مانند الکل و جراحتها و صرع مانع رشد و توسعه انسان می‌شوند بنابراین جرم در مجرم مادرزاد یک امر طبیعی است نظریه‌های تباه‌زدگی یا انحطاط نیز جزو نظریه‌های انسان‌شناسی است که ریشه جرم را در ویژگی‌های زیستی یا روانی مجرم می‌دانند. همچنین اختلالات کروموزومی هرگاه با شرایط و عوامل دیگر همراه شوند می‌توانند مشکلات رفتاری در افراد و مخصوصاً بزهکاران ایجاد کنند. ساختمان مغز و اختلال در ترشحات غدد مغزی و صدمه دیدن آنها موجب اختلال در رفتار می‌شود... (زارعت، ۱۳۸۷: ص ۶۳)



عوامل روانی؛ این عوامل که بیماریهای روانی نام دارند مانند نوروز، پسیکوپاتی و انفانتیلیسم، ناشی از عدم رشد و پرورش روان انسان است و حتی ممکن است در اثر عدم تربیت صحیح از مسیر طبیعی خود منحرف شوند به گونه ای که بیمار روانی دچار بی تفاوتی عاطفی شود و همه چیز را برای خود بخواد یا عقده خود کوچک بینی پیدا کند یا حسادت ورزد. در این صورت ممکن است بیمار با اعمال مجرمانه خود سعی در جبران این نقیصه ها داشته باشد.

عوامل خارجی و اجتماعی؛ عوامل زیست شناسی و عوامل روانی، عوامل فردی و درونی هستند اما عوامل دیگری از خارج نیز ممکن است دست به دست این عوامل داده و موجب تحقق جرم شوند مانند وضعیت خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی، تربیتی، بی عدالتی در جامعه و...

و آن چه که گفته شد عوامل منحصر به فرد وقوع جرم نیستند اما برای تحقق جرم، نقش زیادی دارند و این عوامل براساس مطالعات علمی و تجربی دسته بندی و ارائه شده اند اصولاً هر عاملی که اراده انسان در پیدایش آن نقش نداشته باشد باید موجب سلب مسئولیت کیفری شود و از طرف دیگر مجرم نیز از جامعه دور نگه داشته شود تا جامعه از گزند وی در امان بماند.

بخش دوم: تعدّد جرم

تعدد جرم یکی از جهات تشدید مجازات است. به نظر برخی از حقوقدانها هرگاه شخصی به دفعات متعدد مرتکب جرم گردد باید به مناسبت هر یک از آنها، جداگانه مجازات شود برعکس عده ای دیگر معتقدند که تعدد جرم مستلزم تعدّد مجازات نیست زیرا که جامعه می باید بلافاصله پس از وقوع جرم مرتکب را مجازات کند تا برای ارتکاب جرائم مجدد فرصت پیدا نکند و چون جامعه در انجام این وظیفه قصور کرده است حق ندارد هنگامی که مجرم به علت ارتکاب جرم یا جرائم مجدّد تحت تعقیب است علیحده از آن به جهت جرم اول نیز وی را مجازات نماید. (باهری، ۱۳۹۵: ص ۳۲۸)



این استدلال مورد انتقاد قرار گرفته زیرا غالباً فاصله ای بین جرائم متعدد وجود ندارد تا جامعه به علت تأخیر در مجازات اول قابل ملامت و سرزنش باشد. به علاوه ضمانت اجرای تأخیر جامعه در تعقیب و مجازات بزهکار می بایست ضمن قواعد دیگر تأمین شود و نیازی بدان نیست تا قاعده تجویز تعدد جرائم را به عنوان ضمانت اجرای دیگر توجیه نمائیم. (علی آبادی، ۱۳۷۳: ص ۲۵۸)

هم چنین باید اضافه نمود که اگر تمامی جرائم ارتكابه شخص مورد رسیدگی و مجازات قرار نگیرد یکی از اهداف مجازات که همانا تسکین متضررهای از جرم و حفظ حقوق مدعیان خصوصی است نادیده گرفته شده و مدعی خصوصی از مزایای تعقیب جزایی مرتکب جرم محروم و برای اخذ خسارات وارده می بایست به دادگاههای حقوقی مراجعه کند که این خود منطبق با عدالت نیست.

بالاخره عده ای از حقوقدانها را عقیده بر این است که ضمن تعقیب و رسیدگی نسبت به تمامی جرائم ارتكابه می بایست فقط یک مجازات درباره شخص مرتکب به عنوان مجازات اشد به مورد اجراء گذارده شود و بدین ترتیب با اجرای مجازات اشد اعدام اجرای سایر مجازاتها عملی نبوده و اعمال یک مجازات شدید خود در برگیرنده سایر مجازاتهای خفیف نیز می باشد این عده برای اثبات نظریه خود به مجازات حبس طویل المدت استناد نموده و می گویند که در مجازات این چنین جرمی سایر مجازاتهای حبس کوتاه مدت مستتر بوده و خود به خود اجراء می گردد.

به هر ترتیب قاعده تعدد جرم در مورد شخصی اعمال می شود که مرتکب چند جرم جداگانه شده که هر یک از آن جرائم، عنواناً یا موضوعاً با یکدیگر متفاوت و یا غیر متفاوت بوده و قبلاً هم نسبت به هر یک از این جرائم رسیدگی به عمل نیامده و شخص مورد تعقیب واقع نشده و مجازات نشده و یا اینکه بعد از صدور حکم قطعی و قبل از تحمل کیفر، مجدداً مرتکب جرم دیگری شود، چنین شخصی به عنوان ارتکاب جرائم متعدده قابل تعقیب بوده و مشمول تعدد مجازات خواهد بود.



برای اثبات تعدّد جرم وجود شرایطی لازم است:

اولاً - مجرم واحد بایستی مرتکب جرائم متعدّد (حداقل دو جرم شده باشد، ولی نباید بین تعدّد جرم با جرم واحدی که طبیعتاً مدتی استمرار پیدا میکند (جرم مستمر اشتباه شود) چرا که در جرم مستمر طول مدت ارتکاب ممکن است در شدت مجازات مؤثر باشد ولی در تعدّد جرم این نکته بیشتر مورد نظر است که آیا عمل واقع شده اصولاً جرم محسوب میشود یا خیر؟ بدون اینکه طول مدت ارتکاب در شدت مجازات و برای اثبات تعدّد جرم مؤثر باشد در حالی که تعدّد به هیچوجه جزئی از جرم مستمر نیست. به همین ترتیب فیما بین تعدّد جرم جرم جمعی که فی نفسه یک جرم است اشتباه نمود، چرا که جرم جمعی جرائمی هستند که از یک سری اعمال پی در پی که همگی آنان یک عمل شناخته شده و مجازاتی هم برای آن تعیین شده تشکیل می شوند. مثل سرقت از یک منزل در ده بار متناوب که هر بار عمل سرقت بود، ولی مرتکب جرم نهایتاً برای یک سرقت تحت تعقیب قرار می گیرد و نه ده بار خارج کردن اثاثیه از منزل.

ثانیاً: تعداد جرم زمانی مصداق پیدا می کند که مرتکب جرم برای جرم ارتكابی اولیه هنوز محکومیت ثابت یا قطعی پیدا نکرده باشد و اگر مرتکب جرم برای جرائم ارتكابی گذشته محکومیت ثابت و معینی داشته باشد در این صورت تعدّد جرم درباره او مصداق پیدا نخواهد کرد. (شامبیاتی، ۱۳۷۳: ص ۴۵۷)

در حقوق جزا تعدّد جرم را به تعدّد معنوی یا اعتباری و تعدّد مادی یا واقعی تقسیم کرده اند:

الف - تعدّد معنوی یا اعتباری

هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدد مجرمانه بوده و یا عمل واحد که منظم چند وصف جزایی باشد تعدّد معنوی یا اعتباری است. به عبارت دیگر فاعل واحد است و عمل هم واحد، ولی نتایج حاصله متعدد می باشد مانند راننده ای که در اثر بی احتیاطی در امر رانندگی با وسیله نقلیه موتوری مرجب نصادف منجر به ضرب و جرح و قتل شود، بدیهی است که راننده مقصر فقط



مرتکب عمل واحد است که بی احتیاطی در رانندگی شده ولی حاصل عمل او قتل و ضرب و جرح برای هر یک از موارد مزبور در قانون مجازات اسلامی عناوین خاصی وجود دارد و برای فرد فرد این عناوین مجازات خاصی مقرر شده است. مورد دیگر از تعدد معنوی مقررات ماده ۶۳۹ و ماده ۷۰۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص دایر کردن فاحشه خانه و قمارخانه است. زیرا از طرفی در ماده ۶۲۹ کسی که مرکز فساد با فحشاء دایر با اداره کند و یا کسی که مردم را به فساد یا فحشاء تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد. از طرف دیگر مجازات دایر کردن قمارخانه شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی تعیین شده است. حال باید دید که برای جرم دایر کردن فاحشه خانه و قمارخانه چه آثار و احکامی از نظر جزائی تعلق میگیرد و تعیین مجازات چگونه صورت خواهد گرفت؟

مقنن تکلیف این قضیه را در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مشخص ساخته و می گوید و در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است. از جهت تشخیص شدت و ضعف مجازاتها علی الاصول جرائمی که مجازات آنها اعدام، رجم قطع یا نقص عضو است اشد و مهمتر از جرائمی است که مجازات آنها حبس یا جزای نقدی است و مجازات حبس نیز اشد از جزای نقدی است و در مورد شلاق تعزیری و حبس جنایی مطلقاً و همچنین حبس جنحه ای اشد از شلاق و شلاق اشد از جزای نقدی است. (نظریه شماره ۷/۱۹۴۲ مورخ ۱۳۷۲/۳/۱۶ ف اداره حقوقی قوه قضائیه، جلد دوم، ص ۲۶۳)

بنابراین در مثال ارائه شده هر یک از اعمال ارتكابی که مجازات آن شدید تر است می بایست مورد حکم قرار گیرد حال با توجه به این که مجازات دایر کردن از یک تا ده سال است و مجازات دایر کردن قمارخانه حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون



ریال جزای نقدی است بنابراین مجازات اشد همان مجازات مقرر در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی است که مورد حکم قرار خواهد گرفت.

مثال دیگر در مورد تعدد معنوی مقررات ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی است که مقرر می‌دارد هرکس با توجه به سمت یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزراء یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا ۷۴ ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. حال اگر به مأمور دولت در حین انجام وظیفه ضمن اهانت حمله یا مقاومتی صورت گیرد در این صورت عمل واحد دارای دو نتیجه متفاوت اهانت و تمرد است و برابر ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی مجازات جرمی داده میشود که مجازات آن اشد است. حال سؤال این است که اگر متهمی از مجازات جرمی که اشد است برائت حاصل کند آیا از لحاظ جرم دیگر که دارای مجازات اخف است نیز تبرئه می‌شود یا خیر؟

در این مورد دو نظر متفاوت وجود دارد (علی آبادی، ۱۳۷۳: ص ۲۶۲)

نظر اول - به عقیده عده ای از حقوقدانها جواب این سؤال منفی است و می‌گویند محاکمه و برائت متهم تنها در مورد جرمی که دارای مجازات اشد است، صورت گرفته و این امر مانع از آن نمی‌شود که به مسئولیت جزایی مرتکب در مورد جرم دیگر که از لحاظ مجازات اخف است در دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی صادر شود.

نظر دوم - برعکس به نظر عده ای دیگر پاسخ این سؤال مثبت است و معتقدند که عنصر مادی جرم که عمل واحدی بوده در دادگاه مورد رسیدگی قرار گرفته و متهم از اتهام جرم



ارتكابی با مجازات شدیدتر برائت حاصل کرده و از این حیث نمی توان متهم را به خاطر عمل ارتكابی دیگر که دارای مجازات اخف است مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

اداره حقوقی قوه قضائیه تکلیف این قضیه را مشخص ساخته و در پاسخ این سؤال که بالفرض ورود سارق به منزل غیر را برخی جزء لوازم سرقت دانسته و برخی ورود به عنف تلقی می نمایند و یا فحاشی هنگام ایراد ضرب و مسئله خرید و حمل و نگهداری و نهایتاً شرب خمر آیا به هنگام شرب نباید وارد مسئله خرید آن شد یا خیر؟ اعلام میدارد که هرگاه جرایم ارتكابی بعضی مقدمه بعضی دیگر بوده و یا از لوازم آن به شمار آید و مجموع آنها نیز دارای عنوان خاص جزائی باشد تعدد معنوی، مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است. بنابراین در فروض مورد سوال چون ورود غیر مجاز به منازل افراد از لوازم سرقت و تهیه مشروب از لوازم و مقدمات شرب آن است مرتکب را فقط می توان به مجازات سرقت و یا شرب خمر محکوم کرد و نه به مجازات ورود به منزل افراد و سرقت و خرید مراد الکلی و شرب آن. (نظریه شماره ۷/۹۲۸ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۴، اداره حقوقی قوه قضائیه، جلد اول، ص ۲۰۲)

ب - تعدد مادی یا واقعی

تعدد مادی یا واقعی زمانی مصداق می یابد که کسی مرتکب چند فقره جرم جداگانه شده باشد بنحوی که برای هر یک از این اعمال مجازاتی در قانون تعیین شده بدون اینکه مجموع اعمال او دارای عنوان خاص مجرمانه باشد. یعنی اعمال مجرمانه ارتكابی با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک از این اعمال به عنوان جرم مستقلی محسوب می گردد

در تعدّد مادی سه حالت قابل تصور است

حالت اول کسی مرتکب افعال متعدّد از یک نوع شده باشد، مثل چند فقره سرقت.



حالت دوم - کسی مرتکب افعال متعدد و متنوع شده باشد، مثل اینکه کسی به قصد تصاحب وجوهی با توسل به وسائل متقلبانه کلاهبرداری و یک فقره چک از دوستش بگیرد و سپس مبلغ مندرج در چک را دستکاری و آن مبلغ را از بانک دریافت نماید در این حالت شخص مرتکب سه جرم کلاهبرداری جعل و استفاده از سند مجعول شده که دارای سه عنوان مجزا میباشد که هر یک مجازات خاصی را دارد ولی هدف نهایی مرتکب رسیدن به وجوهی بوده که مورد نظر او بوده است. (رای وحدت رویه شماره ۳۱۶۰ مورخ ۱۳۱۸/۱۲/۱۶)

حالت سوم - کسی مرتکب افعال متعدده گردیده که دارای عناوین متفاوتی است ولی قانونگذار مجموع این اعمال را یک جرم خاص محسوب نموده است، مثل رانندگی بدون پروانه منتهی به قتل غیر عمد مندرج در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی.

اغلب حقوقدانان تعدّد جرم و تعدّد مجازات را در یک مبحث مورد بررسی قرار داده زیرا که قانونگذار بدون ارائه تعریف علمی از این دو موضوع تعدّد جرم را به عنوان راه حل عملی اجرای مجازات در مورد شخصی که مرتکب چندین جرم گردیده در متن مواد قانونی مورد حکم قرار داده و نحوه تعیین و اجرای مجازات چنین شخصی را مقرر داشته است.

رویه قضایی نیز از همین موضوع پیروی کرده و طی آراء متعدد اظهار عقیده شده که: «اگر کارمندی، مبلغی منتهی در چند نوبت از کسی رشوه بگیرد. تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه مزبور موجب تعدّد جرم نخواهد بود. (خاور، ۱۳۴۲)

و یا در رأی دیگری آمده است در تحقق عنوان تعدّد جرم سرقت، تعدد محل سرقت و اختلاف نوع مال مسروقه و تاریخ ارتکاب و تصمیم سارق از بدو امر مؤثر است بنابراین اگر دزدی از ابتدا تصمیم به خالی کردن انبار غله ای داشته منتهی چون در یک شب انجام آن مقدور نبوده در دو شب انجام گرفته با این حال عمل متعدد نیست تا مشمول ماده ۲ الحاقی گردد. (حکم شماره ۱۱۱۱ مورخ ۱۳۲۵/۸/۲۱، شعبه دوم دیوان عالی کشور)



البته نظرات ارائه شده توسط دیوان عالی کشور براساس مواد ۲ و ۳ الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری صورت گرفته که در آن بحثی از تعدد معنوی در قانون نشده بود.

ج - سابقه تعدّد جرم در قوانین جزایی ایران

برای اولین بار مواد الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۱۲/۷/۱۲ و مواد ۳۱ و ۳۲ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲، موضوع تعدد جرم را در قانون جزای ایران مدنظر قرار داده و نحوه تعیین مجازات جرائم ارتكاییه را اعم از تعدد مادی و معنوی و آثار تبعی و در صورت احتمال وجود کیفیات مخففه در مورد تعدد مجازات را پیش بینی نموده است ولی با تصویب قانون مجازات اسلامی و انطباق موارد با موازین شرعیه مواد سابق منسوخ و ملغی الاثر شده و مراد ۴۶ و ۴۷ در برگیرنده تعدّد معنوی و مادی در جرائم قابل تعزیر گردیده است. منتهی قید کلمه تعزیر» در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی منصرف از جرائم بازدارنده نیست و ماده مذکور شامل مجازاتهای بازدارنده نیز می شود. (نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۷، مورخ ۱۳۷۳/۱/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه، جلد دوم، ص ۳۶۵)

۱ - تعدّد جرم در قوانین جزائی سابق

در ماده ۲ مواد الحاقیه به قانون آئین دادرسی کیفری گفته شده اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد ولو اینکه مجموع آن اعمال به موجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه دیگری باشد.

در صورتی که فرداً فرد اعمال ارتكاییه جرم بوده بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک حداکثر مجازات مقرر را معین نماید در صورتی که فرد فرد آن اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه



باید برای هر یک از آن اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. در هر یک از موارد فوق مجازات اشد به موقع اجراء گذارده می شود.

براین ماده اشکالاتی وارد است چرا که:

اولاً : در مورد جرمی که دارای عنوان واحدی است قانون ساکت است

ثانیاً : تعدّد جرم به جرائم خلافی تسری داده نشده است.

ثالثاً : تعدّد معنوی جرم را نیز مورد توجه قرار نداده است.

و اما قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، در مواد ۳۱ و ۳۲ با بحث راجع به جرائم جنحه و جنایت نحوه تعیین و اجرای مجازاتهای مشمول تعدّد جرم اعم از مادی و معنوی را پیش بینی کرده و در ماده ۳۲ دو مورد از تعدّد مورد بحث قرار گرفته است:

اول - وقتی تعدّد جرائم ارتكابی از سه جرم بیشتر نباشد، دادگاه مکلف است برای هر یک از جرائم حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار دهد و در صورتی که مجازات جرم ارتكابی فاقد حداقل و حداکثر باشد دادگاه تا یک چهارم مجازات قانونی را به مجازات اصلی اضافه میکند.

دوم - هرگاه جرائم ارتكابی بیش از ۳ جرم باشد و جرائم او از مصادیق تعدّد جرم، باشد دادگاه مجازات هر یک از جرائم را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی معین میک، کند بدون اینکه از حداکثر به اضافه نصف تجاوز نماید. در صورتی که مجازات جرائم ارتكابی حداقل و حداکثری نداشته باشد دادگاه تا حداکثر نصف مجازات هر جرم را به آن اضافه می کند.

۲- تعدّد جرم در قانون مجازات اسلامی مجازات تعدّد جرم در قانون مجازات اسلامی در مواد ۴۶ و ۴۷ پیش بینی شده ست. در ماده ۲۶ این قانون مقرر شده در جرائم قابل تعزیر هرگاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد مربوط به حکم



تعدد معنوی است و در ماده ۴۷ آمده است: در هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم قانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین میگردد در این قسمت تعدد جرم میتواند از علل مهبده کیفر باشد و اگر جرائم ارتكابی خاصی داشته باشد، مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم می گردد. شرایط مورد بحث اختصاص به تعداد جرم مادی دارد منتهی این قاعده فقط در موارد تعزیراتی و بازدارنده می تواند اعمال شده و در جرائمی که مشمول قوانین حدود و قصاص و دیات هستند حکم تعدد همان است که در مقررات مربوطه پیش بینی شده است. مثلاً:

۱- هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل، چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست ماده ۲۱۸ در این قسمت، تعدد معنوی مورد نظر قانونگذار قرار گرفته و اجرای مجازات اشد را تجویز کرده است

۲- قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی بشود، دو جنایت محسوب می شود. ماده ۲۸۸ و در ماده ۳۸۶ میزان دیه را مشخص و مقرر می دارد از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود در این مورد تعدد مادی جرم مد نظر بوده و جمع مجازات اعمال خواهد شد.

۳- طبق مقررات ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی تکرار زنا قبل از اجراء حد در صورتی که مجازاتها از یک نوع، باشد موجب تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود در قسمت اول این ماده حکم خاص و در قسمت دوم تعدد مادی مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است.



۴- و بالاخره در ماده ۱۵۱ همین قانون آمده است هرگاه شخصی چند نفر را بطور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند خواه به طور جداگانه و بلافاصله در ماده ۱۵۲ می افزاید هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه ای جاری میگردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می شود در این مورد تعدد معنوی مورد توجه قرار گرفته و برای تعیین مجازات حکم خاص مقرر شده است.

و اما در مورد دیات با نگرش به اینکه هر عضوی از اعضای بدن دارای دیه خاصی بوده و بنا به رعایت اصل کلی اسلامی که خون مسلمان محترم است لذا هرگاه بر اثر ارتکاب عمل واحد چند خسارت اتفاق افتد که برای هر یک دیه خاصی تعیین شده باشد اعم از اینکه چند دیه به شخص واحد و یا به اشخاص مختلفه تعلق گیرد یا بر اثر ارتکاب اعمال مختلفه جنایاتی واقع شود که هر یک متضمن تعلق دیه خاصی باشد تمامی آن جنایات با هم جمع و مجازات قابل وصول است.

بخش سوم: تکرار جرم

یکی دیگر از ابعاد جرم، تکرار جرم است تکرار جرم وضعیت مجرمی است که سابقه محکومیت جزایی داشته و مجدداً مرتکب جرم شده باشد در این حالت است که تکرار جرم تحقق پیدا کرده و مجرم مشمول مجازات سنگین تری قرار می گیرد. پس شرط تحقق تکرار جرم این است که مجرم لاقلاً یک محکومیت قطعی قبلی داشته باشد

در خصوص تعدد جرم اکثر حقوقدانها بر رعایت قواعد تعدد اتفاق نظر داشته و فقط در نحوه اجراء و تعیین مجازات اختلاف نظر وجود دارد ولی در مورد تکرار جرم اختلاف عقیده فاحشی مبنی بر تشدید مجازات وعدم تشدید مجازات مرتکبین به چشم می خورد (علی آبادی، ۱۳۷۳: ص ۲۸۱)

طرفداران نظریه اجرای تشدید مجازات درباره مرتکبین به تکرار جرم چنین استدلال می کنند که



اولاً: مجرم از اجرای مجازات قبلی متنبه نشده و در حقیقت یکی از اهداف مهم اجرای مجرم که اصلاح اوست تأمین نگرديده و لذا با چنین فردی می بایست برخورد شدیدتری به عمل آید.

ثانیاً: کسی که برای بار اول مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته و دست به عمل خطرناک مجرمانه ای زده است با فنون و وسائل ارتکاب جرم آشنایی پیدا کرده و در واقع حالت خطرناکی او مدنظر قرار می گیرد و فایده اجتماعی از اجرای مجازات شدید مطمح نظر قرار گرفته و باید جامعه را از گزند چنین فردی در امان نگهداشت.

ثالثاً - حالت خطرناکی مرتکب به اندازه ای است که دست به اعمال مجرمانه از یک نوع میزند به عبارت دیگر مرتکب عمل مجرمانه علاوه بر اینکه اصلاح نشده بلکه تبهر بیشتری در انجام چنین عملی پیدا کرده و مجرم به عادت شده است. مثلاً در سرقت که یکی از جرائم مهم اجتماعی است. افراد مرتکب به این حرفه آن چنان تخصص و مهارت در کار پیدا کرده و اعمال خود را به نحوی تکرار میکنند که چه بسا از این راه امرار معاش کرده و شیوه معین آنها از طریق سرقت تأمین و آن را حرفه و شغل خود قرار داده اند.

بر عکس جرم شناسان تشدید مجازات درباره تکرار کنندگان جرم را جایز ندانسته و این قبیل مجرمین را بیمار یا عاملی از علت های اجتماعی دانسته و به هیچ وجه شدت برخورد با آنان را صحیح نمیدانند. این عده معتقدند که اولاً - مراقبتهای پس از مجازات یا به نحو مطلوب صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته کافی نبوده است و در واقع یکی از اهداف اجرای مجازات که اصلاح فرد مجرم است به نحو شایسته تأمین نشده است چرا که از طرفی جامعه عامل اصلی وقوع جرم اول بوده و با برخورد شدیدی که با مجرم نموده مقصر اصلی برای دست زدن مجدد او به جرم جدید می باشد. از طرف دیگر جامعه با ایجاد رسوائی و فضاحتی که از اجرای مجازات اول برای او به وجود آورده موجب شده شخص مرتکب جرم خود را در جامعه رسوا و بی آبرو شناخته و قباحات مجازات را برای او به یک عمل عادی مبدل ساخته و اگر چنین مجرمی دست به اعمال مجرمانه جدیدی زده به علت همان ایجاد سابقه و پیشینه سوئی بوده که برای فرد



مجرم در نظر گرفته و او را جزء افراد ناصالح جامعه معرفی و از به دست آوردن شغل و حرفه خاصی بازداشته تا لاجرم شخص مبادرت به ارتکاب جرم جدیدی نموده و عمل مجرمانه خود را بدین وسیله توجیه کند. ثانیاً - از هم نشینی با سایر زندانیان و محیط نامساعد زندان و سایر عواملی که در زندان در دوران سپری نمودن محکومیت خود پیدا کرده از جمله عوامل مؤثر در تکرار جرم میتواند محسوب شود.

صرفنظر از این بحث ها در این سمینار باید بگوییم که اکثر قوانین جزایی اینگونه مجرمین را مورد توجه قرار داده و موضوع تکرار جرم و اجرای مجازات شدید درباره آنان را پیش بینی و مجازاتهای شدیدی برای اینگونه افراد در نظر گرفته اند

الف - وجوه افتراق تعدد با تکرار جرم

بین تکرار و تعدّد جرم وجوه افتراق زیر یافت می شود

۱ - تکرار جرم زمانی مصداق می یابد که مرتکب قبل از ارتکاب جرم ثانوی یک محکومیت قطعی یافته باشد در صورتی که تعدد جرم در حالتی است که جرم اوّل تعقیب نشده و یا در صورت تعقیب قبل از ارتکاب جرم ثانوی به محکومیت قطعی منجر نشده باشد .

۲- در حالت تعدّد جرم جرائم ارتكابی متعدد مجرم بایستی مورد مجازات قرار ،گیرد در حالیکه در تکرار جرم فقط یک عمل ارتكابی است که مورد مجازات واقع می شود.

۳-اختلاف دیگر در این است که مرتکب تعدّد جرم یک مجرم اولیه محسوب می شود در حالیکه اگر مجرم قبلاً محکومیت جزایی پیدا کرده باشد تکرار کننده جرم است. به همین علت است که تعیین مجازات شدید درباره مرتکبین تکرار جرم را بر عهده دادرس دادگاه محوّل نموده اند تا با التفات به روحیه تغییر ناپذیری فرد از اجرای مجازات سابق و علاقه و اشتیاق وی در نیل به



ارتکاب جرم جدید و حرفه ای بودن و شدت و ضعفی که مجرم در ارتکاب به تکرار جرم دارد مجازات شدیدتر را در نظر بگیرد

ب - طرق مختلف مجازات تکرار جرم

مجازات تکرار جرم ممکن است از لحاظ ماهیت جرائم ارتكابی و فاصله بین دو محکومیت به صورت زیر انجام پذیرد

۱ - از نظر ماهیت جرائم ارتكابی

گاهی مجرم به دفعات مرتکب جرم خاصی میشود مثلاً مرتکب چند بار کلاهبرداری می شود در این حالت تشدید مجازات مرتکب به این علت است که مجرم عادت به ارتکاب جرم خاص پیدا کرده که برای جامعه خطرناک است و لذا قانونگذار مجازات او را سنگین تر می سازد این مورد را تکرار جرم «خاص» گویند. ولی هرگاه مجرم در ارتکاب جرم یا جرائم بعدی عادت به ارتکاب جرم خاصی را نداشته بلکه مرتکب جرائمی بطور مختلف شده باشد در این حالت هم به علت این که مجرم بطور کلی عادت به بزهکاری پیدا کرده مجازات او تشدید میشود. این مورد از تکرار جرم را تکرار جرم «عام می نامند

۲- از نظر فاصله زمانی بین محکومیت اول و جرم ارتكابی ثانوی

سؤال این است که اصولاً اثر تکرار جرم تا چه زمانی است؟ مثلاً اگر کسی مرتکب جرمی شده و مجازات آن اجراء شده و پس از چندین سال مجدداً مرتکب همان جرم گردیده باشد آیا شامل حال تکرار جرم میشود یا خیر؟ در برخی از قوانین جزایی برای تکرار جرم از نظر فاصله دو محکومیت شرط مدت گذاشته و برخی دیگر اساساً مدت معینی را مد نظر قرار نمی دهند. فرق این دو روش در این است که در فرض اول کسی که در یک فاصله زمانی معین پس از محکومیت قطعی اولیه مجدداً، مرتکب جرم جدیدی شود، خطر بیشتری را برای جامعه به بار



میاورد و به این علت است که هراندازه فاصله مدت ارتکاب جرم ثانوی کمتر باشد مقنن مجازات را سنگین تر تعیین می‌کند. قانون مجازات عمومی سابق روش تکرار جرم بدون مدت را انتخاب کرده و در ماده ۲۴ مقرر می‌دارد هرکس بموجب حکم قطعی به حبس جنحه ای با جنایی محکوم شده و از تاریخ قطعیت حکم تازمان اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان مرتکب جنحه یا جنایت دیگری، بشود مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود.

ج - تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی

طبق ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی هرکس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم، شود چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه می‌تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید. این ماده شقوق مختلفی را در بر می‌گیرد

اول - در ماده فوق اشاره به مجازاتهای تعزیری و بازدارنده شده است. یعنی کسانی که جرمی را انجام داده و در دادگاه ذیصلاح محاکمه و به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم، شوند چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردند دادگاه میتواند در صورت لزوم مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تشدید نماید. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که :

اولاً - در موارد حدود و قصاص می‌بایست به ابواب مربوطه در قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد چنانچه:

۱ - در ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی گفته شده هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هربار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می‌شود.

۲ - تکرار زنا قبل از اجراء حد در صورتی که مجازاتها از یک نوع باشند موجب تکرار حد نمی‌شود ولی اگر مجازاتها از یک نوع نباشند مانند آنکه بعضی موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب



رجم باشند قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود حال اگر زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هربار حد برا و جاری شود در مرتبه چهارم کشته خواهد شد. «مواد ۸۹ و ۹۰ قانون مجازات اسلامی»

۳ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هربار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است.

۴ - اگر تفخیذ و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است.

۵ - در حد سرقت چهار وضعیت را برای تکرار جرم سرقت که به اجرای حد محکوم شده باشد پیش بینی کرده اند:

(۱) - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوریکه انگشت شست و کف دست او باقی بماند.

(۲) - در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پائین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند.

(۳) - در مرتبه سوم حبس ابد

(۴) - در مرتبه چهارم اعدام ولو سرقت در زندان باشد.

ثانیاً - قانونگذار تأکید نموده چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر گردد در صورت لزوم مجازات تشدید خواهد شد. حال سؤال این است که آیا مرتکب می بایست مجدداً مرتکب همان جرم قابل تعزیر شود یا اینکه هر نوع جرم تعزیری دیگر را مرتکب، گردد مشمول تکرار جرم قرار خواهد گرفت؟ به نظر می رسد منظور قانونگذار فقط جرم ارتكابی قبلی نبوده



بلکه هر نوع جرم قابل تعزیر ارتكابی ثانوی مشمول مقررات تکرار جرم قرار خواهد گرفت. منتهی لازم میبود که مقنن انواع جرائم تعزیری مشابه را در قانون احصاء میکرد زیرا که برخی از جرائم از حیث درجه اهمیت و مهارت و مقدمات و وسائل ارتکاب مشابه یکدیگر می باشند چنانچه در اکثر قوانین جزائی جرائم جعل و اختلاس و کلاهبرداری را در کنار یکدیگر قرار داده و وجوه اشتراک آنها بیش از وجوه افتراق است بسیاری از سابقه داران به جعل غالباً همان افرادی هستند که مرتکب کلاهبرداری نیز شده اند و اگر سوابق کیفری کلاهبرداری را مورد بررسی قرار دهیم اکثر جاعلین جعل را مقدمه ای برای انجام کلاهبرداری قرار داده و حتی جعل عنوان از موارد خاص کلاهبرداری محسوب می شود بنابراین اگر کسی دارای سوابق متعدّد کلاهبرداری بوده و مرتکب جعل شده باشد طبق مقررات ماده ۴۸ می بایست مشمول تکرار جرم قرار گیرد .

دوم - در قانون مجازات عمومی سابق موضوع اعمال تشدید مجازات در مورد تکرار جرم امری تکلیفی برای دادگاه بوده، در حالیکه در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی اعمال تشدید مجازات تخبیری گردیده و این تحولی است که در قوانین جزایی اسلام نمایان شده است.

مكلف بودن دادرس دادگاه به علت سابقه محكومیت کیفری مرتکب به اعمال ماده مربوط به تکرار جرم عادلانه نیست چرا که خطای فعلی مرتکب سنگین تر از گذشته نشده تا درباره او مجازات شدیدتری اعمال گردد به علاوه اگر مجرم با تحمل مجازات سابق اصلاح نشده شاید به دلیل عوامل مختلف اجتماعی و عدم تجهیز وضعیت زندان و تأمین نبودن وضعیت اقتصادی و غیره موجود در جامعه باشد و بدین ترتیب تنها عده قلیلی از مرتکبین جرائم ممکن است ذاتاً ذوق و کشش خاصی به انجام تکرار جرم پیدا کرد که تشخیص این امر با قاضی خواهد بود. به همین علت است که قانونگذار اسلامی به این قبیل عوامل توجه خاص مبذول داشته و دادگاه را مخیر به انتخاب مجازات شدید نموده است. در صورتی که فرد مرتکب جرم از نظر روانی و اجتماعی مستحق مجازات سنگین نباشد، نه تنها قاضی از اعمال مجازات سنگین صرف نظر کرده بلکه از



انطباق موضوع با ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی چشم پوشی کرده و به مانند کسی که برای اولین مرتبه مرتکب جرم شده باشد رفتار خواهد نمود.

سوم - قانونگذار در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی تأکید نموده که در صورت لزوم مجازات تعزیری با بازدارنده تشدید خواهد شد شاید ذکر عبارت در صورت لزوم بدین مفهوم باشد که دایره عمل اجرای حکم مجازات سنگین تر برای دادگاه محدودتر شده و از خودکامگی قضات جلوگیری به عمل آید و به همین علت است که دادرس دادگاه ملزم است ابتدا لزوم تشدید مجازات را احراز و سپس مجازات مناسب را درباره مرتکب جرم به مورد اجراء بگذارد.

چهارم - نحوه اعمال مجازات شدید در ماده مورد بحث مشخص نشده است. مثلاً اگر مجازات جرمی بین حداقل یکسال و حداکثر سه سال مقرر شده باشد، بدیهی است اگر کسی مرتکب جرم مجدد تعزیری، شود دادگاه میتواند در صورت لزوم مدت سه سال حبس را مورد حکم قرار دهد حال اگر همین شخص برای بار سوم مرتکب جرم قبلی، شود در این صورت تکلیف چیست و میزان تشدید مجازات تا چه اندازه خواهد بود؟

چون ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی نحوه تشدید مجازات را در خصوص تکرار جرم مشخص ننموده و در سایر قوانین نیز حکم خاصی در این خصوص وجود ندارد بنابراین در اجرای قسمت اخیر ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تشدید مجازات در اختیار دادگاه است که با توجه به شرایط و کیفیت جرائم ارتكابی و اوضاع و احوال شخص مرتکب مجازات تعزیری را تشدید نماید. بدیهی است که در این مورد تناسب جرم و مجازات باید رعایت گردد. (نظریه شماره ۱۰۲۳۵/۷ مورخ ۲۵/۹/۱۳۷۱، اداره حقوقی قوه قضاییه، جلد اول، ص ۷۰۳)

بدین ترتیب چون تشدید مجازات در اختیار دادگاه قرار گرفته و میزان تشدید مشخص نمی باشد لذا به نظر می رسد که دادگاه بتواند در این قبیل موارد و برای دفعات بعد از مجازاتهای تنمیمی مقرر در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی استفاده نماید.



پنجم - لفظ کلمه دادگاه مندرج در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی منحصر به دادگاههای عمومی نبوده و هر دادگاهی که به جرائم تعزیری و یا بازدارنده رسیدگی میکند می تواند مقررات مربوط به تکرار جرم را نسبت به مرتکبین آن اعمال نماید چنانچه در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام برای معتادان به مواد مخدر که ترک اعتیاد نکرده و پس از باز پروری در مراکز مربوط مجدداً معتاد شوند مجازات بازپروری سنگینی را برای بار سوم مصرف مواد مخدر مقرر ساخته است. بدین ترتیب دادگاه مبارزه با مواد مخدر میتواند در صورت برخورد با این قبیل معتادان طبق مقررات ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی عمل نماید.

ششم - قانونگذار اشاره به این عبارت نموده چنانچه بعد از اجرای حکم مجدداً مرتکب جرم قابل تعزیر، گردد دادگاه میتواند در صورت لزوم مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تشدید نماید از این عبارت مستفاد میشود که اختیار دادگاه در زمانی است که حکم قبلی صادره به طور کامل درباره محکوم علیه اجراء شده باشد. بنابراین مجازاتهای تعلیقی آزادی مشروط برخوردار از عفو اعم از عفو عمومی و عفو خصوصی مشمول مورد قرار نخواهند گرفت. هفتم - رعایت کیفیات مخففه در تکرار جرم برعکس مقررات تعدد جرم در قانون مجازات اسلامی پیش بینی نشده فلذا دادگاه نمیتواند در صورت وجود کیفیات مخففه در تکرار کننده جرم مجازات او را تخفیف دهد ولی برخی از حقوقدانها معتقدند که اشکالی از نظر اعمال این کیفیات به دلیل منع آن در متن قانون و تفسیر به نفع منہم وجود ندارد و میتوان در کنار تشدید مجازات تخفیف ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی را نیز رعایت گردد.

بخش چهارم: تعدد جرم در فقه

در بحث فقهی قاعده تعدد جرم باید بیشتر به حد و حدود جرم و جرم حدی پرداخته شود تا بتوان اصل مطلب را خوب بیان کرد.



قاعده تعدد جرم حدی

مراد از این قاعده آن است که اگر کسی چند بار مرتکب جرم حدی یکسانی شود، اما حد بر وی جاری نشده باشد تنها به یک مجازات حدی محکوم می شود. برای مثال کسی که در زمانهای مختلف چند مرتبه شراب خواری کرده و در میان این زمانها حدّ شرب مسکر بر وی جاری نشده و سپس دستگیر و جرائم وی ثابت شده است، تنها به یک مجازات شرب مسکر هشتاد ضربه شلاق محکوم می شود. همچنین اگر کسی به حد محکوم شود و قبل از اجرای آن دوباره مرتکب عملی شود که مستوجب همان حدّ است یک حد بروی جاری می شود بدیهی است اگر جرائم ارتكابی مختلف باشند، حد خاص هر یک بر شخص اجرا خواهد شد. (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ص ۱۴۵)

بر همین اساس است که ابن سعید هذلی الجامع للشرایع می نویسد:

«و من وجب علیه حدود الافعال مختلفة لم تتداخل كحد قذف و شرب و زنی» (مروارید، ۱۴۱۰ق: ص ۳۸۰)

به همین دلیل است که اگر کسی اقرار کند که با زن معینی زنا کرده است ولی آن زن انکار کند دو حد بر او جاری میشود، حد زنا و حد قذف .

بنا بر آنچه گذشت روشن می شود که شرایط قاعده تعدّد جرم حدی سه چیز است: اول، ارتکاب جرم مستوجب حد بیش از یک مرتبه دوم یکسان بودن جرائم ارتكابی سوم اجرا نشدن حد برای جرم یا جرائم ارتكابی.

قاعده تعدد جرم حدی همانند قاعده تکرار جرم حدی به شکل یک قاعده و حکم کلی در کتابهای فقهی نیست و آنچه در این قسمت از سمینار آمده این است که ذیل تعدد برخی حدود همچون زنا و سرقت مطالبی مطرح شده که می توان آنها را یک جا گرد آورد و قاعده ای از آنها



تهیه کرد در این راستا به نظر میرسد ظاهراً همگان این قاعده را قبول دارند؛ زیرا در بعضی منابع فقها دیده نمی شود که فقیهی به تعدد مجازات حدی در فرض ارتکاب چند بار جرم حدی یکسان قائل باشد.

بنابراین نخست مستندات قاعده را بررسی کرده و سپس به بررسی تعدد برخی حدود که مربوط به تکرار جرم است می پردازیم .

اول: مستندات قاعده تعدّد جرم حدی

یک دلیل عام و کلی که بر قاعده مورد بحث دلالت کند وجود ندارد؛ از این رو باید با استقرا و جمع آوری شواهد و قرائن پیرامون این قاعده بحث و بررسی کرد. آنچه در پی می آید می تواند دلیل و شاهد این قاعده واقع شود بی آنکه نظر خاصی به ترتیب ادله و شواهد مطرح شده وجود داشته باشد البته باید متذکر شد که قاعده اولی عدم تداخل اسباب و مسببات است؛ یعنی در صورتی که آنچه در ادامه به عنوان مستند قاعده بیان میشود، تمام نباشد و شک باقی بماند که مثلاً با انجام هر بار زنا حد باید اجرا شود یا یک بار حد کفایت میکند اصل آن است که به تعداد دفعات زنا، حد لازم می شود. (بجنوردی، ۱۳۷۷ش: ص ۲۴۵)

برای قاعده مورد بحث به این موارد استناد شده است اطلاق ادله؛ تعلق حکم به طبیعت؛ صحیحۀ بکیر بن اعین صحیحۀ محمد بن مسلم مفهوم ادله تکرار جرم حدی سیره قطعیۀ قضات شرع و نیز سایر ادله.

الف) اطلاق ادله

در تبیین این دلیل گفته اند ادله حدود اطلاق دارد و مقتضای اطلاق ادله آن است که فرقی نمی کند این اعمال یک بار انجام بگیرد یا چند بار. (خوئی، ۱۴۲۲ ق: ص ۲۱۲) برای مثال آیه شریفه می فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» (همان) زن زناکار و مرد زناکار هر



یک را صد ضربه شلاق بزنید این آیه بین این که یک بار این عمل صورت بگیرد یا چند بار تفصیل نداده است؛ یعنی خداوند نفرموده است اگر زانی یک بار زنا کند صد ضربه و اگر بیش از یک بار زنا کند بیش از صد ضربه شلاق باید بخورد. بنا بر این اقتضای اطلاق ادله آن است که در تعدد جرم حدی، حد فقط یک بار اجرا شود.

ب. تعلق حکم به طبیعت

خلاصه این دلیل در دو بند چنین است: یکی آنکه موضوع ادله حدود، طبیعت مجرمان است؛ دوم آنکه طبیعت هم بر واحد و هم بر متعدد صادق است؛ به سخن دیگر در صدق طبیعت فرقی میان واحد و متعدد نیست نتیجه آنکه با تعدد حدود، تنها یک بار حد واجب می شود.

برای توضیح باید گفت که در آیات و روایات برای پاره ای اشخاص، تعیین حد شده است؛ مثل آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور، ۲) یا «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» یا در روایت آمده است که «حد اللوطی مثل حد الزانی» (عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۱۵۴) یا «المؤلف بین الذکر والانثی حراماً یضرب... خمسة وسبعین سوطاً» (همان) * و.... در این ادله عناوین «زانیه»، «زانی»، «سارق»، «سارقه»، «لوطی» و «المؤلف بین الذکر والانثی حراماً»، موضوع احکام است.

حال سؤال این است که آنچه موضوع این احکام است طبیعت محض است که قابل تکرار و تعدد نیست؟ یا موضوع طبیعت. ساری یعنی طبیعت در ضمن وجود افراد است که قابل تکرار و تکرر است؟ اگر موضوع صرف طبیعت یا همان طبیعت محض باشد با تعدد حدود، حد متعدد نمی شود؛ زیرا چه اینکه یک فرد محقق شود یا چندین فرد از یک طبیعت محقق شوند در هر صورت طبیعت محقق شده است و در ادله احکام برای طبیعت زانی و زانیه صد ضربه شلاق پیش بینی شده است نه بیشتر همچنین برای طبیعت قواد ۷۵ ضربه شلاق پیش بینی شده است نه بیشتر اما اگر، موضوع طبیعت در ضمن فرد باشد در این صورت با تحقق هر جرم حدی یک فرد محقق



شده است و برای هر فرد باید یک مجازات اعمال شود و در نتیجه با تعدد حدود مجازات حدّی متعدد می شود حال ادله حدود چیست؟ صرف الطبیعه یا طبیعت ساریه؟

موضوع در اینجا برخی علما (جواهرالکلام، ص ۳۳۴) ادعا کرده اند که موضوع ادله صرف الطبیعه است. دلیل این مطلب آن است که در ادله یاد شده و نیز ادله دیگر حکم به عنوان زانی و زانیه، «سارق و سارقه»، «لوطی و...»؛ یعنی بر فاعل و نه فعل متعلق شده است و تکرار جرم حدّی باعث تکرار عنوان زانی و زانیه و دیگر عناوین نمیشود تا در نتیجه مجازات حدّی متعدد شود. بدیهی است که زانی واحد است چه یک بار زنا کند یا چند بار همچنین سارق واحد است چه یک مرتبه سرقت کند یا چند مرتبه صاحب جواهر در این زمینه معتقد است از شهرت و اجماع مبنی بر کافی بودن یک مجازات حدّی و نیز مبتنی بودن حدود بر تخفیف و نیز اینکه

در همان مواردی که زنا یک بار صورت گرفته غالباً ایلاج و اخراج چندین بار تکرار شده و با وجود این کسی نمی گوید حد باید چند بار تکرار شود دانسته می شود که سبب طبیعت است چه کم باشد یا زیاد بلکه شاید خوب تأمل کردن در آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةٍ» (نور، ۲) و اینکه حکم بر زانی و زانیه بار شده است این مطلب را اقتضا می کند که حکم به طبیعت تعلق گرفته است. بدیهی است عناوین زانی و زانیه هم در جایی که یک بار مرتکب این عمل شده‌اند و هم در جایی که چند بار مرتکب آن شده‌اند صدق میکند (جواهرالکلام، ص ۳۳۴)

این عقیده صاحب جواهر را برخی علما نقد کرده اند به اینکه: متبادر از کلام صاحب جواهر این است که اگر حد حکم «زنا» بود، ناچار با تعدد زنا، حد نیز متعدد میشد ولی حد حکم زانی است و زانی یک نفر است گرچه چند بار زنا کند. ولی این ایراد بر صاحب جواهر وارد میشود که در آیه شریفه حکم بر وصف زانی معلق شده و تعلیق حکم بر وصف مشعر به علیت است؛ در نتیجه از آیه شریفه چنین فهمیده می شود که سبب مجازات حدّی زنا ست و نه زانی و در نتیجه باید با تعدد زنا، حد نیز متعدد گردد. (منتظری، ۱۴۰: ص ۸۷)



به نظر می‌رسد این اشکال صحیح است و اینکه برخی (لنکرانی، ۱۴۲۱ ه.ق: ص ۱۴۸) پاسخ داده‌اند صرف اشعار کفایت نمی‌کند و موضوع حکم در آیات و روایات عناوینی مثل زانی و زانیه است که با تعدد متعدد نمی‌شوند صحیح نیست زیرا اشعار در این موارد ضعیف نیست تا گفته شود صرف آن کافی نیست. بنا بر این موضوع حکم زنا و لواط... است و اینها قابل تکرارند. بنابراین دلیل دوم تمام نیست

ج) صحیحہ بکیر بن اعین

در مورد تعدد سرقت حدی روایتی از امام باقر نقل شده که مشتمل بر تعلیل است. از آنجا که علت باعث تعلیم حکم می‌شود میتوان درباره تعدد سایر حدود نیز حکم این صحیحہ را جاری دانست

بکیر بن اعین از امام باقر (ع) درباره شخصی که مرتکب سرقت شده است ولی دستگیر نشده سپس سرقت دیگری انجام داده و باز دستگیر نشده است و بار سوم مرتکب سرقت شده و دستگیر می‌شود و شهود بر ضد او به سرقت اولی و آخری شهادت می‌دهند نقل می‌کند که امام (ع) فرموده دستش برای اولین سرقت قطع می‌شود و پایش برای سرقت آخری قطع نمی‌شود به امام عرض می‌شود چگونه است با وجودی که دو سرقت از سارق به اثبات رسیده است تنها یک مجازات اعمال می‌شود؟ حضرت میفرماید زیرا شهود همگی در یک مقام به سرقت اول و آخر و قبل از آنکه دست سارق به دلیل سرقت اول قطع شود شهادت دادند اگر شهود به سرقت اول شهادت دهند و سپس صبر کنند تا دست دزد

قطع شود آنگاه به سرقت آخر شهادت دهند پای چپ دزد قطع می‌شود (عاملی، ۱۴۱۴ق: ص ۲۶۳)

مفاد این عبارت آن است که اگر کسی چند بار مرتکب سرقت شود و قبل از اجرای حد همه این سرقتها ثابت، شود یک حد بیشتر جاری نمی‌شود حال حکم موجود در این روایت را می‌توان به



سایر حدود تسری داد و گفت که اگر چند بار شرب مسکر انجام گیرد و ثابت شود یک حد بیشتر جاری نمی شود آنچه مجوز این تسری است عبارت «لان الشهود شهدوا جمعياً...» است که به صورت علت حکم در روایت آمده و میدانیم که «العلّة تعمم و تخصص» (تبریزی، ۱۴۱۷ق: ص ۱۲۷)

(د) صحیفه محمدبن مسلم

محمدبن مسلم از امام باقر(ع) در مورد مردی که چندبار دیگری را قذف کرده نقل می کند که حضرت (ع) فرمود:

ان قذفه بالزنا بعد ما جلد فعليه الحد و ان قذفه قبل ما يجلد بعشر قذفات لم يكن عليه الا حد واحد اگر پس از آنکه به دلیل قذف شلاق خورد دیگری را قذف کرد حد بر او جاری میشود و اگر قبل از اینکه شلاق بخورد ده بار دیگری را قذف کند تنها یک حد بر او جاری می شود(عاملی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۵)

از این روایت استفاده می کنیم که صرف ارتکاب چند بار قذف باعث تعدد مجازات حدی نمی شود و حد در صورتی تکرار می شود که قاذف به دلیل دفعه یا دفعات قبل حد خورده باشد و دوباره مرتکب قذف شود از سوی دیگر با الغای خصوصیت از این روایت، میتوان حکم آن را به تعدد دیگر حدود تسری داد به سخن دیگر احساس نمی شود در قذف خصوصیتی وجود داشته که باعث وضع چنین حکمی برای آن شده باشد. نتیجه آنکه وضعیت دیگر حدود نیز به همینگونه است.

هـ- مفهوم ادله تکرار جرم حدی

قبل از این گفتیم که روایات خاصی پیرامون تکرار جرم حدی وارد شده است مبنی بر اینکه اگر کسی مرتکب جرمی حدی شده سپس بر وی حد جاری شود و دوباره مرتکب آن شود و حد



بخورد در مرتبه سوم در تکرار شرب مسکر یا در مرتبه چهارم در تکرار سرقت و زنا کشته می شود این روایات بیان کننده آن هستند که سبب تکرر مجازات حدی ارتکاب جرم حدی پس از اجرای حد است. در نتیجه مفهوم این روایات آن است که تا وقتی حد اجرا نشده ارتکاب چند دفعه جرم حدی یکسان موجب تکرر مجازات حدی نیست. برای مثال در صحیحہ سلیمان بن خالد امام صادق از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که حضرت فرمود

«من شرب الخمر فاجلدوه فان عاد فاجلدوه فان عاد الثالثة فاقتلوه» (همان، ص ۲۳۳)

آیت الله گلپایگانی در این زمینه میگوید

مستفاد از این اخبار آن است که... آنچه سبب تکرار مجازات حدی است شراب خوردن همراه با اجرای حد است اگر هر شرب مسکری باعث مجازات حدی می شد باید در روایت چنین گفته می شد اگر شراب بخورد سپس شراب بخورد سپس شراب بخورد برای مرتبه اول و دوم حد میخورد و برای مرتبه سوم کشته می شود. همین مطلب درباره روایاتی که درباره تکرار سرقت و زنا وارد شده است نیز صادق است. به هر حال مجموعه احادیث یاد شده ضابطه ای به دست می دهد و آن اینکه ارتکاب جرائم یکسان تا وقتی مجازات اعم از حد و (تعزیر اجرا نشده تنها یک مجازات خواهد داشت.

نتیجه گیری و جمع بندی بحث

با توجه به مطالبی که ارائه دادیم نتیجه می گیریم، در خصوص تعدد جرم اکثر حقوقدانها بر رعایت قواعد تعدد اتفاق نظر داشته و فقط در نحوه اجرا و تعیین مجازات اختلاف نظر وجود دارد ولی در موارد تکرار جرم اختلاف عقیده فاحشی مبنی بر تشدید مجازات و فقدان تشدید مجازات مرتکبین به چشم می خورد. و دریافتیم که طرفداران نظریه اجرای تشدید مجازات درباره مرتکبین به تکرار جرم چنین برداشت دارند و پیشنهاد می کنند که :



- مجرم از اجرای مجازات قبلی متنبه نشده و در حقیقت یکی از اهداف مهم اجرای مجرم که اصلاح اوست تامین نگردیده و پیشنهاد می شود با چنین فردی می بایست برخورد شدیدتری به عمل آید.
- کسی که برای بار اول مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته و دست به عملی خطرناک مجرمانه ای زده است با فنون و وسائل ارتکاب جرم آشنایی پیدا کرده و در واقع حالت خطرناکی او مدنظر قرار می گیرد و فایده اجتماعی از اجرای مجازات شدید مطمح نظر قرار گرفته و پیشنهاد می شود جامعه را از گزند چنین شخصی در امان نگهداشت
- حالت خطرناکی مرتکب به اندازه ای است که دست به اعمال مجرمانه از یک نوع می زند به عبارت دیگر مرتکب عمل مجرمانه علاوه بر اینکه اصلاح نشده بلکه تبهر بیشتر در انجام چنین عملی پیدا کرده و مجرم به عادت شده است.
- برعکس جرم شناسان تشدید مجازات درباره تکرار کنندگان جرم را جایز نداشته و این قبیل مجرمین را بیمار یا عاملی از علتهای اجتماعی دانسته و به هیچ وجه شدت برخورد با آنان را صحیح نمی دانند. آنها اعتقاد دارند که :
- مراقبت های پس از مجازات یا به نحو مطلوب صورت نگرفته و یا اگر صورت گرفته کافی نیست و پیشنهاد می شود یکی از اهداف اجرای مجازات که اصلاح فرد مجرم است به نحو شایسته تامین شود.
- از هم نشینی با سایر زندانیان و محیط نامساعد زندان و سایر عواملی که در زندان در دوران سپری نمودن محکومیت خود پیدا کرده از جمله عوامل موثر در تکرار جرم می تواند محسوب شود.



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. آکوچیان، زهرا (۱۳۸۶) دختران و زنان، مسائل و معضلات، درسها و عبرتها، پیام زن، شماره ۸.
۳. ابن ابی الحديد المعتزلی، عزالدین ابی حامد عبدالحمید (۱۴۲۶ ه. ق) بن هبئه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالکتاب العربی، بغداد، چاپ اول؛
۴. ابن خلکان، أحمد بن محمد بن ابی بکر (۱۳۹۷ ه. ق) وفيات الأعیان وأنباء أبناء الزمان، تحقیق: إحسان عباس، دار صادر، بیروت.
۵. ابن کثیر القرشی دمشقی (۱۴۲۲ ه. ق) أبو الفداء إسماعیل، البداية والنهاية، دار المعرفة بیروت، ق، چاپ ششم؛
۶. اصغری، سید محمد (۱۳۷۸) بررسی تطبیق جرم سیاسی همراه با دو قاعده درا و نفی حرج، چ اول، تهران: اطلاعات.
۷. بازگیر، یدالله (۱۳۷۵) علل نقض آرای کیفری در شعب دیوان عالی کشور، چ اول، تهران: نشر حقوقدان.
۸. باهری، محمد (۱۳۹۸) حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، جلد دوم.
۹. بجنوردی، سید حسن (۱۳۷۷ ش) القواعد الفقہیہ، اصول فقہ، قم، ناشر: نشر الہادی
۱۰. بحرانی، ابن میثم (۱۳۶۶ ش) میثم اختیار مصباح السالکین مشہد: بنیاد پژوهشہای اسلامی آستان قدس رضوی.



۱۱. بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۷ش) معارج نهج البلاغه؛ قم کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۷ ش.
۱۲. تبریزی، جواد (۱۴۱۷ق) اسس الحدود و التعزیرت، قم: مهر، ۴۹۲ صفحه.
۱۳. خاور، محمد (۱۳۴۲) مجله حقوقی قانون وکلای دادگستری، شماره ۸۵
۱۴. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق) مبانی تکمله المنهاج، بغداد، بابل،
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق) المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالعلم الدار الشامیه،
۱۶. زراعت، عباس (۱۳۸۷) شرح قانون مجازات اسلامی-بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ چهارم
۱۷. سمیعی، حسین (۱۳۳۳) حقوق جزاء، تهران: انتشارات میزان.
۱۸. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵) حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ ششم، پاییز
۱۹. شیری، عباس (۱۳۷۲) سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، شهید بهشتی.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۸۰) جامع الاحکام، چ سوم، قم: موسسه انتشارات حضرت معصومه (ع) جلد دوم.
۲۱. صانعی، پرویز (۱۳۷۷) حقوق جزای عمومی، جلد یکم، نشر: گنج دانش، نوبت چاپ چهارم.



۲۲. طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰)، منطق فهم حدیث، قم: مؤسسه ی آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره).
۲۳. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷)، تاریخ الطبری، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۲۴. عاملی، حر(۱۴۱۴ق) وسایل الشیعه، قم: نشر موسسه آل بیت علیهم السلام لاجیاء المثرات
۲۵. علی آبادی، عبدالحسین(۱۳۷۳) حقوق جنایی، جلد اول، نشر: فردوس، نوبت چاپ سوم.
۲۶. علیدوست، ابوالقاسم(۱۳۸۱) فقه و عقل، چ اول، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۷. عمید زنجانی، عباسعلی(۱۳۸۶) قواعد بخش حقوق جزا، چ اول، تهران: سمت و موسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.
۲۸. قیاسی، جلال الدین(۱۳۸۵) مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۹. کرباسی، محمدمهدی(۱۳۸۱) ماهیت جرم در فقه و قانون جزا، فصلنامه معرفت، شماره ۵۸
۳۰. محسنی، مرتضی(۱۳۹۳) حقوق جزای عمومی «پدیده جنایی»، جلد ۱، چاپ چهارم، شابک ۸۶۷.
۳۱. مرعشی؛ سیدمحمد حسن(۱۳۶۵) شرح قانون حدود و قصاص، چ اول.ج ۱



۳۲. مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰ ق) الینایع الفقہیہ، بیروت: نشر اول، ناشر: دارالشرای / الدار الاسلامیہ،

۳۳. معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه و مرکز تحقیقات فقہی، مجموعہ بخشنامہ های قوه قضائیه، چ اول، قم: ج ۲.

۳۴. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۰ ق) کتاب الحدود، قم: انتشارات دارالفکر .

۳۵. موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۱ هـ ق) تفصیل الشریعہ - النکاح، قم، نشر: مرکز فقہ الاثمہ الاطہار

۳۶. الموسوی، الشریف المرتضی علی بن الحسین (۱۴۲۵ هـ ق) أمالی المرتضی غرر و درر القلائد، تحقیق: محمد أبی الفضل إبراهیم، المکتبۃ العصریۃ، بیروت.

۳۷. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۷۹) جرائم علیه اموال و مالکیت، چ ہفتم، تہران: نشر میزان.

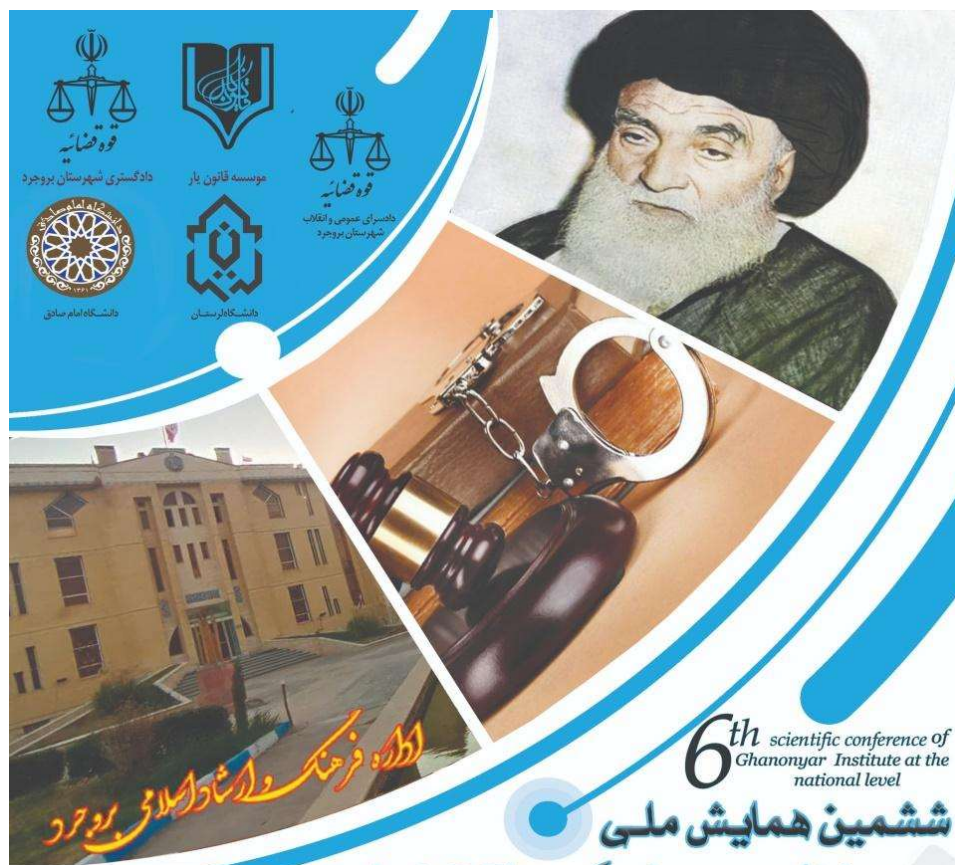
۳۸. النجفی الجواہری، شیخ محمد حسن (۱۲۶۲ ش) جواہر الکلام، بیروت، ناشر: داراحیاء الشرای العربی.

۳۹. نوربہا، رضا (۱۳۹۲) زمینہ جرم شناسی، نشر: گنج دانش، چاپ پنجم.

۴۰. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۱۰ هـ) محاضرات فی اصول الفقہ، چاپ سوم، قم: دارالہادی للطبوعات، ج ۱



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون یار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنگره و نشست های علمی با موسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵



6th scientific conference of
Ghanonyar Institute at the
national level

ششمین همایش ملی

جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم،
خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

مشاوره ۲۴ ساعته به پژوهشگران
در خصوص نگارش و ارسال مقالات
۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

محورهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تأثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی مضللات و آسیب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات
OLOMENSANI@YAHOO.COM

مدیر هیات سیاستگذاری همایش
دکتر سیدمصطفی حسینی

شماره تماس های دبیرخانه همایش
۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ و ۵۲۶

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ارسال مقاله از طریق پیام رسان
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

مکان و زمان برگزاری همایش
۲۹ آذرستان همایش سازمان ارشاد پروچرد

